

نامه های فرهیختگان

از دیر بازی، شماری از فرهیختگان دانشور و فرزانه با گسیل نامه هایی از سر مهر به ارجگزاری از کارکردهای این کمترین پرداخته و مرا مشمول نوازش های مهرگسترانه و نازپرورانه فرهنگی خود گردانیده اند و برخی هم با گسیل یادداشت ها و ملاحظات شان بر این خدمت گزار منت گذاشته اند.

با سپاس از این عزیزان، بر آن شدیم تا از این پس به پخش نامه هایی شان در بخش گزیده ها بپردازیم تا دیگر خوانندگان نیز از آن بهره مند گردند.

پیشاپیش یک نکته را شایان یاددهانی می دانم که مطالب بازتاب یافته در بخش نوشته های گرداننده وب بلوگ- این جانب، از پرویزن ویژه پیرایشی می گذرد، که ناگزیر ویرایش های اندکی را در متن نوشته ها می آورد که از این بابت از پیش از عزیزان پوزش می خواهیم.

در این جا، نامه جناب آقای دستگیر صادقی را خدمت تقدیم می کنیم.

جناب آقای عزیز آریانفر!

پس از سلام و درودهای گرم و صمیمانه

می خواهم به این وسیله سپاسگزاری خویش را از کار بسیار پر ثمر و ارزنده شما که از مدت هاست به خوانش آن مصروفم، ابراز بدارم. منظورم، کارهای پژوهشی شما و به ویژه کار شما در عرصه برگردانی آثار بسیار با ارزشی از بایگانی های روسیه شوروی است. برگردانی این آثار در گشایش برخی از گره های کور تاریخ معاصر افغانستان که در ذات خویش هم از پیچیدگی های به خصوصی برخوردار است، یاری می رساند.

مجموعه یی از این آثار ارزنده که توسط شما به زبان معیاری، متین و روان دری برگردانده شده، کمک می نماید تا تاریخ نویسی موجود در افغانستان که عمدتاً به صورت خطی و یک جانبه نگارش یافته است، از بنیاد واژگون گردد

و دیدگاه های تاریخی هم مهینان ما را که بسیار آشفته نیز است، متغیر سازد.

تاریخ معاصر افغانستان ، با دریغ و درد، آن طوری که باید از جانب تاریخ نویسان افغانی بر بنیاد واقعیت ها به نگارش نیامده است، و اصولاً تاریخ نویسی ما با چشمه ها و منابع کم شمار و به ویژه سلیقه های شخصی از شفافیت باز می ماند. رنج آور این که شماری از تاریخ نویسان ما پیش از این که تاریخدان باشند، سیاستمدار بوده اند و این مشخصه بر طرز بینش و تحلیل آن ها اثر منفی به جا گذاشته است. بر همین کمبودی است که «تاریخ» افغانستان معاصر بیشترین «سیاه و سپید» جلوه می نماید.

در نتیجه، زاویه های بیشمار مربوط به تاریخ معاصر افغانستان همچنان تاریک و نا روشن باقی بماند. هنوز ناگفته های بسیاری در گستره مسائل تاریخی افغانستان وجود دارد که باید با کنکاش و بررسی دقیق از بایگانی های کشورهای که در مسائل به نحوی شامل بودند، بیرون کشیده شود. کاش شخصیت های جستجوگر و علاقمند به بازشناسی تاریخ افغانستان – همچون شما – بررسی های شان را از چشمه ها و منابع هند بریتانیایی و بریتانیای کبیر با دقت و وسواس یک پژوهشگر عاشق به کار آغاز و نتایج این بررسی ها را به نشر رسانند. آنگاه می توان گفت که شماری از این ناگفته ها در جهت روشننگری زاویه های تاریک تاریخی به نحوی به میان خواهند آمد و تصویر گویاتر و دقیقتر از رویداد های تاریخی افغانستان به نمایش گذاشته خواهد شد.

کار ارزنده شما، دریچه های نوی را به روی آن بخش های از تاریخ معاصر افغانستان می گشاید که آگاهی در آن زمینه ها بسیار اندک و در بسی موارد گمراه کننده بوده است.

من به این باورم که تلاش و زحمت فراوان شما در این امر بزرگ، آن های را که می خواهند تصویر روشنتری از قضایا و مسائل تاریخی افغانستان داشته باشند، یاری می رساند و دیدگاه های روشنتری را از زاویه های تاریک تاریخ افغانستان، برجسته می گرداند.

بار دیگر سپاس و امتنان مرا از این کار پر ثمر خویش پذیرا باشید.

سلامتی و پیروزی های هر چه بیشتر شما را در این کار همه
جانبه و گسترده تاریخی و سیاسی، و خدمت بی آلايشانه و وطن
دوستانه یی شما که به معرفی هر چه بیشتری از تاریخ واقعی
افغانستان می انجامد، خواهانم.

با ارادت

دستگیر صادقی

31 اکتبر 2010